

عاقبت و سرنوشت فاسقان در دنیا و آخرت چگونه خواهد بود؟

آثار فسق و سرنوشت فاسقان

اگر خاطرتان باشد در درس های گذشته آموختیم که خداوند در مسیر حرکت ما به سمت هدف خلقت مان، آیینه هایی را برای ما قرار داده که به کمک آن ها می توانیم درستی مسیرمان را تشخیص دهیم. یکی از این آیینه ها، آیه ۲۴ سوره توبه است که بر اساس آن، اگر عشق به الله، اهل بیت (علیهم السلام) و جهاد در راه خدا، در رأس همه معشوق ها و دغدغه های ما نباشند، دچار فسق شده ایم؛ یعنی به محض اینکه کمال محدود را به کمال نامحدود و بی نهایت ترجیح دهیم، از دایره انسانیت خارج می شویم؛ در این صورت دیگر فرقی هم نمی کند که یک مهندس یا دکتر حاذق باشیم، یا یک مجتهد و روحانی معروف! چون همه ما ذاتاً بینهایت طلب هستیم، بنابراین نمی توانیم طالب کمالات محدود باشیم و هرگاه خود را به این امور محدود سرگرم کنیم، از حیثیت انسانی ساقط می شویم؛ زیرا از اصل و حقیقت خود به عنوان یک انسان، منحرف شده و به طبیعت و بخش حیوانی خود پرداخته ایم. طبیعتاً این دورافتادگی از اصل، خسارات و محرومیت های فراوانی را در حیات دنیایی و آخرتی ما به دنبال خواهد داشت.

درباره مفهوم فسق و نشانه های فرد فاسق قبلاً صحبت کردیم. در این درس قصد داریم درباره سرنوشت فاسقان و کسانی که از صراط مستقیم منحرف می شوند، صحبت کنیم. سرنوشت فاسقان از دو جهت قابل بررسی است؛ یکی سرنوشت آن ها در دنیا و دیگری سرنوشت ایشان در آخرت. در ادامه به شرح این دو سرنوشت می پردازیم.

سرنوشت فاسقان در دنیا

شاخصه های سلامت نفس یک انسان، که نشان دهنده رشدیافتگی شخصیت او و عامل لذت بردن او از زندگی است، عبارتند از: رحمانیت، شادی، آرامش و مهندسی و اولویت بندی معشوقها در قلب. مسلماً این

فاکتورها در مورد کسی صادق است که روی صراط قرار دارد؛ اما فرد فاسق هیچ کدام از این شاخصه ها را ندارد؛ زیرا نظام معشوقها در قلب او وارونه شده و به جای اینکه الله، اهل بیت و جهاد در رأس معشوقهای دل او باشند، کمالات محدودی همچون خانه، ماشین، ازدواج، ادامه تحصیل، کسب مدارج علمی، ثروت، مقام و امثال اینها اولویت زندگی او هستند. طبیعتاً چنین کسی، از مسیر طبیعی و فطری حرکت به سمت ابدیت باز میماند و به تبع آن به هدف خلقتش یعنی تشبه به الله هم نخواهد رسید؛ بلکه روزبه روز از الله دورتر می شود.

فرد فاسق هیچ گونه انس یا رفاقتی با خانواده آسمانی خود ندارد، بنابراین مانند افراد بی کس و کار مدام گدای عاطفه دیگران است؛ در واقع چون نظم در میان این همه عشق و معشوق در قلب او برقرار نیست، تعادل روحی او نیز به هم می خورد؛ در نتیجه دائماً دچار غم، اضطراب، تشنج، دلتنگی، افسردگی و حسادت است و هرگز نمی تواند شاد و آرام باشد. او دائماً در تلاش است که از کمالات محدود دنیایی برای خود عزت، شادی و آرامش کسب کند؛ غافل از آنکه این مسئله با ساختار ریاضی نفس او در تضاد است؛ اگرچه ممکن است با این مسائل به صورت موقتی سرگرم شود، ولی در نهایت به دلیل ناسازگاری روح بینهایت طلب با کمالات محدود، دچار خستگی و دلزدگی خواهد شد. این عقوبت کسی است که حقیقت انسانی خود را نادیده گرفته و از معشوق بینهایت خود روی گردانده است. در یک کلمه می توان گفت فرد فاسق در دنیا روز خوش نخواهد دید و هرگز لذات عمیق و پایدار را تجربه نخواهد کرد.

سرنوشت فاسقان در آخرت

همان طور که قبلاً آموختیم، محتوای قلب ما، تعیین کننده نوع تولد و حشر ماست؛ هریک از ما در آخرت و قیامت با محبوب های قلبمان و چیزهایی که بیشترین وابستگی و علاقه را نسبت به آن ها داریم، محشور می شویم؛ اگر محبوبها و علاقه هایمان بهشتی و نورانی باشد، جایگاه ما نیز بهشت خواهد بود؛ اگر دلبستگی ما خود خدا باشد به بالاتر از بهشت دست خواهیم یافت و اگر اسیر رقابتها و چشم و هم چشمیهای دنیوی باشیم، جهنمی خواهیم شد؛ پس مهم ترین وظیفه ما در این دنیا حفظ سلامت قلب و کسب قلب سلیم است. معیار سلامت قلب نیز حاکمیت سه معشوق اصلی یعنی الله، اهل بیت (علیهم السلام) و جهاد در راه خدا

بر سایر معشوق ها و علاقه هاست. با این اوصاف کاملاً روشن است که شخص فاسق نمی تواند قلب سلیم کسب کند؛ زیرا توانایی مدیریت معشوق و مهندسی قلب خود را ندارد و طبق آنچه که در درس های قبل گفته شد، قیمت او در حد سنگ، گیاه یا نهایتاً حیوان خواهد بود. بر اساس قاعده نسبت، ما هنگام وفات از رحم دنیا به برزخ شش نوع تولد «سالم»، «سالم قوی»، «ضعیف»، «بیمار»، «ناقص» و «معلول» داریم که فقط دو نوع از تولدها به برزخ قابل قبول هستند؛ یکی تولد سالم و دیگری سالم قوی. با این اوصاف، فرد فاسق چون قلب سلیم کسب نکرده، نمی تواند تولد سالم و سالم قوی به آخرت داشته باشد و موقع وفات، به یکی از صورتهای ناقص، بیمار، ضعیف یا معلول متولد خواهد شد؛ درست مثل بچه ای که فلج، کور، کر و مریض یا با ناراحتی قلبی به دنیا می آید.

اساساً بین سلامتی قلب در دنیا و سعادت در آخرت، رابطه ای مستقیم وجود دارد، یعنی برای تولد سالم به آخرت، بایستی در دنیا نیز سبک زندگی سالم و مطابق با شأن انسانی خود داشته باشیم؛ بنابراین کسی که در دنیا نتواند شاد و آرام باشد، در آخرت نیز سعادت مند نخواهد بود. کسی که قلبش را سالم سازی نکرده در شب اول قبر با گرفتاری های فراوانی مواجه خواهد شد؛ زیرا در دل کوچک او جایی برای خدا، انبیاء و اهل بیت (علیهم السلام) نمانده است.

در واقع همان طور که بدن به محض خروج از حالت تعادل، دچار درد و بیماری می شود، فرد فاسق نیز به خاطر ترجیح دادن کمالات محدود به کمال بینهایت، رفته رفته مزاج و فطرت سالم خود را از دست می دهد و مزاجی بیمارگونه پیدا می کند. او به جای گرایش به امور پاک و پاکیزه، به امور خبیث و ناپاک و زشت تمایل پیدا می کند و حساسیت خود را نسبت به گناه از دست می دهد. او تا لحظه مرگ، به روش و منش فاسقانه خود ادامه می دهد و در نهایت نیز زمینه ورود به آتش دوزخ و محرومیت از بهشت را به دست خود برای خویش فراهم می کند؛ مگر اینکه مقابله ای جدی را برای درمان این بیماری آغاز کند.

در این مقاله درباره عاقبت و سرنوشت فاسقان صحبت کردیم و گفتیم که فرد فاسق چون کمالات محدود را به کمال مطلق و بینهایت ترجیح می دهد، از مسیر فطری و طبیعی خود خارج می شود و به هدف خلقت

خود که همان تشبیه به الله است، نمی رسد. چنین فردی چون به کمتر از الله رضایت داده است، هم دنیا و هم آخرت خود را تباه خواهد کرد.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer